

بسمه تعالی

تبیین تاریخ فرهنگی دفاع مقدس با مفهوم «جنگ فقر و غنا»

جنگ تحمیلی هشت ساله، حادثه‌ای ناخواسته و پیش بینی نشده برای مردم ایران بود که همه را درگیر خود کرد. نه تنها آثار فرهنگی زیادی را به همراه داشت بلکه بواسطه جنبه هویتی آن می‌تواند به عنوان پدیده و مقوله‌ای فرهنگی هم محسوب شود. مردم ایران خود را در جنگ شناختند و پیدا کردند و شناخت مردم ایران بدون درک این مقطع تاریخی ممکن نخواهد بود. مردم ایران در جنگ تجربه کردند که همزمان می‌شود جنگ کرد و زندگی کرد، ازدواج نمود، تجارت کرد و درس خواند. بویژه آنکه در بحبوحه مصیبت‌ها و شدائد می‌توان شادی و سرور را هم تجربه کرد. به تعبیری جنگ بخشی از زندگی شد. البته این امر تا حدی در جنگ‌های گذشته مثل جنگ‌های ایران و روس هم تجربه شده بود.

در دوران جنگ تحمیلی شهرها و مناطق مختلف کشور از فرهنگ‌های هم بویژه مناطق جنگی شناخت پیدا کردند و به هم نزدیک شدند. جنگ تحمیلی وحدت و انسجام ملی را به همراه داشت و هنوز هم سرمایه‌ای برای این معنی می‌باشد. جامعه انقلابی ایران خاطره جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی را با خود دارد. این‌ها مهم‌ترین حافظه‌های افراد جامعه ایرانی هستند که حافظه‌های اقشار مختلف اجتماعی در این رابطه وحدت دارد. تجربه جنگ تحمیلی درک قدسی از هویت و ملیت ایرانی را به وجود آورد. مواجهه اعتقادی و دینی با این تجربه، که با شهادت‌ها و جانبازی‌های رزمندگان اسلام تحقق پیدا کرد، توانست نگاه الهی به مرگ و حوادث زندگی و رابطه انسان با خدا را خمیرمایه هویت ملی ایرانی قرار دهد و تعریف قدسی از ایران را ارائه کند. نمود چنین درکی را می‌توان در بیان امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در دیدار با سفرای کشورهای اسلامی در عید قربان (۲۸ مرداد ۱۳۵۹/۵) ملاحظه کرد که فرمودند: «ایران یک موجود الهی است که هیچ چیز او را صدمه نخواهد زد.»

مصادیق فداکاری و ایثار و عرصه‌های رشد و تعالی معنوی که در دوران جنگ تحمیلی ظاهر شد، غیر از دوران صدر اسلام بی‌سابقه بود و در گذشته تاریخ نمی‌توان دید. معنویتی که با انقلاب اسلامی و در زمان جنگ پدید آمد هیچ‌وقت در زندگی گذشته عامه مردم نبوده است. همین امر نقد گذشته را به همراه داشت. بحث شهادت در تاریخ تمدن بیش از هزار سال گذشته امری تقریباً مفقود است. اینکه انسان‌هایی طالب امر شهادت شوند و به این سرعت بتوانند تعالی روحی پیدا کنند نبود. اما در این مقطع تاریخی فضا و درهای جدیدی از معنویت به روی مردم باز می‌شود. ورود مردم در جنگ تحمیلی نه تنها نقد گذشته

تاریخی بود بلکه نقد ساختارهای معیوب زمانه هم بود و نقد را در جامعه نهادینه کرد و عمق بخشید. عوام جامعه قدرت قضاوت نسبت به خواص پیدا کردند. این فرهنگ نقد حتی نسبت به تصمیم‌گیری‌های نظامی و امنیتی هم شکل گرفت. نوعی نقد سازنده ارتش شکل گرفت که حتی توانست بدون انحلال ارتش، سازمان جدید نظامی ایران را هم تولید کند و نقد مولد بود. نیروهای حزب‌اللهی درون ارتش در این جهت پیشگام بودند و حق حیات به گردن ارتش داشتند.

از رشد و تثبیت فرهنگ خودکفایی در جنگ و پس از آن هم می‌توان سخن گفت. جنگ تحمیلی موجب شکوفایی مدیریت انقلابی و جهادی در سراسر کشور شد. همه پیشرفتهای کشور در عرصه‌های گوناگونی که بویژه توسط جوانان صورت می‌پذیرد و امدار فرهنگ و باور شکل گرفته در دوران جنگ است. وقتی پس از حدود سی سال از زمان جنگ، مبارزه بی‌امان با تروریستهای تکفیری و بویژه با داعش علیرغم پیچیدگی‌های سیاسی، نظامی، جغرافیایی و فرهنگی آن به سرانجام می‌رسد؛ تأثیر فرهنگ شکل گرفته در زمان جنگ را نمودار می‌سازد. همانطور که شهید سلیمانی که قهرمان این عرصه بود بارها بر آن تأکید داشت.

اما به نظر اینجانب تعبیر «جنگ فقر و غنا» مهمترین وصف فرهنگی جنگ تحمیلی هشت‌ساله است. جنگ فقر و غنا صفتی بود که امام (ره) به جنگ هشت‌ساله اطلاق کرد با تعبیری که: جنگ ما جنگ حق بر باطل بود و تمام‌شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود. جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴). جنگی بین ایمان به خدا و زندگی متشرعانه و قانونمند با اندیشه اومانیزم و خودبنیادی بشر صورت می‌گیرد. یک‌طرف جنگ جریان است که با مقید بودن به حدود انسانی، اسلامی و قانونی در مسیر ایمان قدم برمی‌دارد و در این جهت احساس فقر در بکارگیری امکانات می‌کند. طرف دیگر جنگ هم با عدم التزام به هیچگونه اصولی و احساس غنا خود را جای خدا می‌گذارد و فعال مایشا می‌شود. جنگ فقر و غنا «اندیشه مقاومت» را عمق می‌بخشد و صورتی از منازعه است که با نوع نگاه به آینده شکل می‌گیرد. جنگی بین مکتب انتظار با سلفی‌گری است که ماهیت فرهنگی منازعات گوناگونی را نیز تبیین می‌کند.

محمد علی فتح‌اللهی